

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

تیمورشاه تیموری

مخمس بر غزل حضرت حافظ

ساقی من که همان دلبر مهوش باشد
چشم بد دور که خوش مشرب و دلکش باشد

صافی و درد ازو بهر همه خوش باشد
نقد صوفی نه همه صافی و بیغش باشد

ای بسا خرقه که مستوجب آتش باشد
باده خوران که به حکم ازلی هست شدی

نه چو شیخی که به دیوان و دد همدست شدی
صوفی ما که ز ورد سحری مست شدی

شامگاهش نگران باش که سرخوش باشد
شش جهت عاشق رنجیده بیاید به میان

نشود راز دل سوختگان زود عیان
خوش بود تا محک تجر به آید بمیان

تا سیه روی شود هر که در او غش باشد
میکشم رنج و تعب تا ببرم راه بدوست

خوش بود لذت دیدار که دیدار نکوست
اینهمه محنت و غم، ناله سازنده ازوست

عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد
ن از پرورد تنم نبرد راه به دوست

تا توانی به جهان ساغر و پیمان خور
لب به لب باده بخور با لب جانانه خور

ساغری چند بحکم دل دیوانه خور
غم دنیای دنی چند خوری باده خور

حیف باشد دل دانا که مشوش باشد

تیموری دست ز آئین خرد دار و خروش آن خروشی که بیابی تو از آن باده نوش
جسم و جان جز به می ناب نباید بفروش دلّ و سجاده حافظ ببرد باده فروش
گر شراب از کف آن ساقی مهوش باشد

(المان - 20 اپریل 2012)